

اندیشه‌های دینی اونا مونو

اندیشه‌های دینی او نامونو

زهرا شاه‌پری

انتشارات ناهید

سرشناسه	شاه‌پری، زهرا، ۱۳۶۶ -
عنوان و نام پدید آور	اندیشه‌های دینی اوانامونو / زهرا شاه‌پری.
مشخصات نشر	تهران: ناهید، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۱۷۶ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	978-600-5865-34-9
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا	
یادداشت	کتابنامه: ص. [۱۷۳] - ۱۷۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	اوانامونو، میگل د، ۱۸۶۴ - ۱۹۳۶ م. - نقد و تفسیر
موضوع	فلسفه و دین
موضوع	تفکر دینی - قرن ۲۰ م.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۴ ش ۲ الف / B۴۵۶۸
رده‌بندی دیویی	۱۹۶/۱
شماره کتابشناسی ملی	۳۹۵۹۲۹۱

● زهرا شاه‌پری
● اندیشه‌های دینی اوانامونو

● حروفچینی: شبستری
● چاپ گلشن سبز
● چاپ اول: پاییز ۱۳۹۴
● شمارگان: ۵۵۰ نسخه
● حق چاپ محفوظ است.



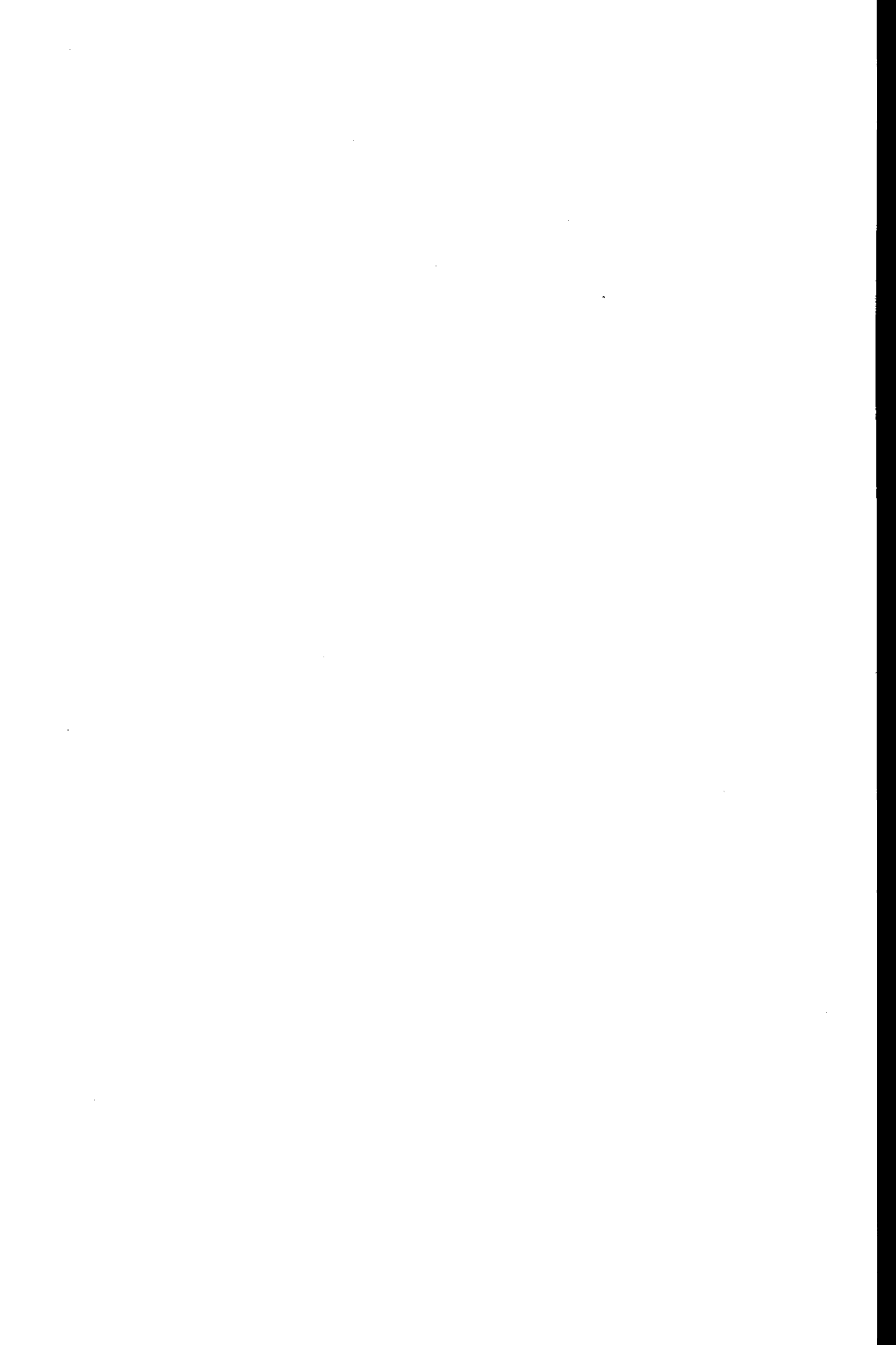
● سایت: www.nahid.com
● پست الکترونیکی: nahidbooks@yahoo.com
● فروش اینترنتی: www.behanbook.ir

به آنان که جویای حقیقت‌اند
و خواهان جاودانگی

با سپاس از مادرم که به پاکی آب است
و پدرم که چون آینه زلال

فهرست

مقدمه	۹
زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه‌ها و آثار ادبی، دینی و فلسفی میگل داونامونو	۱۳
مفهوم جاودانگی و تحقق آن	۵۵
اونامونو و دین‌کیشوتی	۱۴۱
جمع‌بندی	۱۶۵



مقدمه

میگل د اوناُمونو^۱، متفکر و نویسنده برجسته اسپانیا، از زمره شناخته شده ترین چهره های فلسفه و ادبیات این سرزمین در سده نوزدهم و بیستم میلادی است. او نه تنها در ادبیات، صاحب سبکی نو به ویژه در زمینه رمان تجربی^۲ و تغزل جدلی^۳ است^۴، بلکه اندیشه های فلسفی وی سبب شده است تا اگزیستانسیالیسم منحصر به فردی از او، در تاریخ فلسفه، به یادگار بماند.

درباره اندیشه های فلسفی او باید گفت، آنها مجموعه انتظام یافته ای از حقایق منطقی نیستند بلکه تنها میراث لحظات ژرف زندگی او هستند. مابعد الطبیعه او، درست همانگونه که او ادعا می کند، همان الاهیات است^۵ و از این روی اندیشه های فلسفی او دارای بن مایه ای دینی است و محوری ترین مسأله آن نیز چگونگی حیات پس از مرگ و ایمان به رستاخیز ابدی انسان ها است. بر این اساس اندیشه ها و افکار او، هم به لحاظ فلسفی و هم از جنبه الاهیاتی قابل تأمل و بررسی است.

اندیشه های دینی و فلسفی او از یک نقطه آغاز می شوند و آن نقطه مواجهه با مرگ است. او هیبت این لحظه به شکوه را، که هر انسانی در زندگی خویش

1. Miguel de Unamuno 2. Experimental novel 3. Dialectical lyric

۴. اوناُمونو، میگل د، درد جاودانگی، چاپ هشتم، تهران، ناهید، ۱۳۸۸، ص ۲۶.

۵. همو، ص ۱۹۷.

یک‌بار و برای همیشه آن را درک خواهد کرد، زمینه‌ساز بسط تأملات شورمندانه خود در این باب می‌سازد و از مرگ‌اندیشی^۱، فلسفه و الاهیاتی به قامت تمام لحظات هستی خویش می‌سازد تا بلکه از دل آن بتواند درمانی برای درد فناپذیری و نابودی همه انسان‌ها بیابد و ایمان به جاودانگی^۲ را همچون آبی حقیقی در برابر عطش ابدیت خواهی انسان‌ها، و از دل استدلالات متناقض خویش به ارمغان بیاورد^۳.

آری درحقیقت نقطه پایانی مابعدالطبیعه او ایمان به جاودانگی است، و از این روی می‌توان او را از جمله فیلسوفان اصالت وجودی^۴ ایمان‌گرا^۵ به شمار آورد که با بهره‌گیری از میراث فلسفی ایمان‌گرایانی چون کی‌یرکگارد^۶ و پاسکال^۷ توانسته است فلسفه‌ای با گرایش محض ایمانی از خود برجای گذارد.

او پرسش از جاودانگی را مهم‌ترین پرسش هر انسانی می‌داند که انسان است، انسانی که گوشت و خون دارد، و در این جهان زندگی می‌کند. او معتقد است تمام دانش‌ها و نظام‌های فلسفی باید به گونه‌ای به ابعاد زندگی انسان بپردازند چرا که انسان غایت جهان است و غایت انسان جاودانگی است، بنابراین همانگونه که او می‌گوید: «عطش بی‌مرگی و جاودانگی عبارت است از مبنای دردمندانه همه دانش‌ها و سرآغاز درونی و شخصی کل فلسفه انسانی که به دست انسان و برای انسان ساخته و پرداخته شده است»^۸، تمامی علوم و نظام‌های فلسفی نیز تنها از این جهت مفید فایده‌اند که بتوانند گره‌ای از این مشکل بگشایند و نویدبخش جاودانگی انسان باشند. از این روی اونامونو

1. Mortalism

2. Immortality

۳. اونامونو، درد جاودانگی، ص ۲۰۸.

4. Existentialist

5. Fideist

6. Kierkegaard

7. Pascal

۸. همو، ص ۲۰۸.

می‌کوشد تا تمام عناصر اندیشه مابعدالطبیعی خود را در راستای تحقق این هدف و برآوردن اشتیاق جاودانگی بشر توضیح دهد.

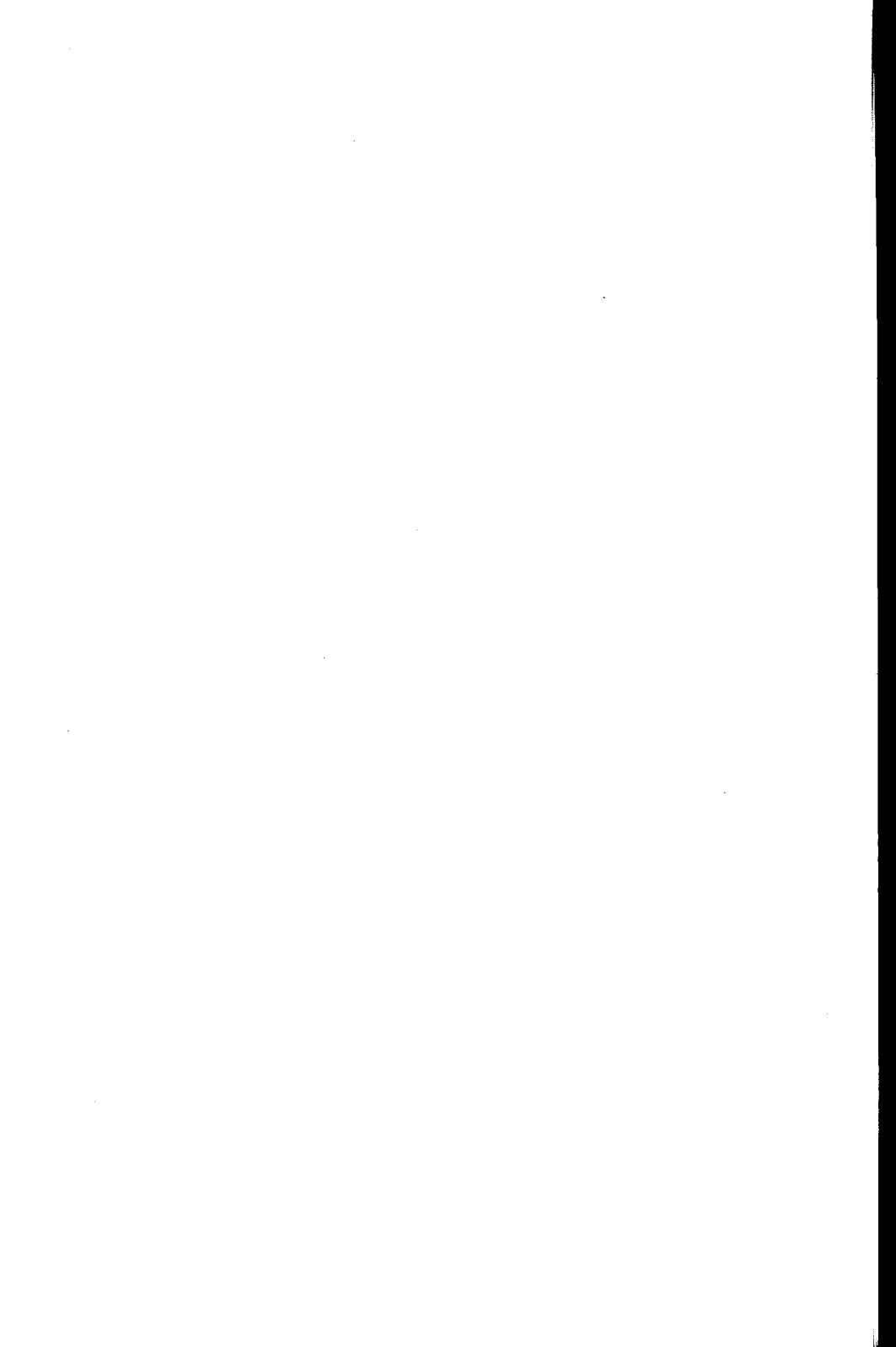
اونامونو در راستای تحقق غایت دینی و فلسفی‌اش و برای اینکه بتواند از تمامی امکانات در جهت اثبات جاودانگی انسانی بهره‌مند شود از تناقض استفاده می‌کند و بهره‌گیری از شیوه‌ای متناقض‌نما را وجهه همت فلسفی و دینی خود قرار می‌دهد، چرا که درحقیقت تنها به واسطه بهره‌گیری از تناقض است که می‌تواند همواره مخاطب خویش را برانگیزاند و در این جدال بی‌پایان با مرگ، با خود همراه سازد.

آری درحقیقت مابعدالطبیعه او دیالکتیک روح بی‌آرام انسانی است که می‌کوشد تا باور کند که با رستاخیز مسیح همه انسان‌ها از بستر مرگ برخوانند خاست و برای همیشه جاودانه خواهند شد، اما عقل راه ایمان را بر او می‌بندد و امید به جاودانگی را بدل به نومیدی می‌کند. درحقیقت سرشت تراژیک زندگی همین جدال بی‌پایان عقل و دل، علم و ایمان است. جدالی که در فلسفه او پایان نخواهد گرفت مگر با امید به ایمان.

براین اساس، اونامونو در مابعدالطبیعه خود نقش عقل را در سایه ایمان تعریف می‌کند و می‌کوشد تا از استدلال‌ات برجسته‌ترین اندیشمندان جهان، به‌ویژه شاعران، در راستای اثبات جاودانگی مدد جوید، و این خود سبب می‌شود تا ذهن پویای او مرزهای منطق و اندیشه را درنوردد و نامنتظمی را در نوشتار پیشه خود سازد. افزون بر این، باید در نظر داشت که او شاعر و رمان‌نویسی توانمند است و تخیل ابزاری است که او در بافت مابعدالطبیعه خود از آن سود می‌جوید، چرا که او باور دارد «فیلسوفان و شاعران اگر آدم واحدی نباشند، برادران توأم‌اند»^۱ و همین رویکرد متفاوت سبب می‌شود حتی فلسفه او نیز از دیگر فلسفه‌های وجودی متمایز گردد.

در پایان پس از تشکر از خداوند بزرگ بر خود واجب می‌دانم که در وهله نخست از استاد ارجمند و بزرگوار جناب آقای بهاء‌الدین خرمشاهی که با صبر و حوصله فراوان این اثر را مطالعه فرموده و نویسنده را از نظرات و رهنمودهای ارزشمند خویش بهره‌مند ساخته‌اند نهایت تشکر و سپاس را داشته باشم. سپس از اساتید بزرگوار خانم‌ها دکتر لیلا هوشنگی و دکتر ملیحه صابری نجف‌آبادی تشکر می‌کنم و همچنین از استاد مهربان جناب آقای دکتر احسان شریعتی که لطف بسیاری نسبت به این اثر داشته و جناب آقای دکتر بهزاد سالکی که گفتار صادقانه و کردار درستشان چراغ راه من است و جناب آقای مسعود کریمی مدیریت محترم انتشارات ناهید و همه بزرگوارانی که چاپ و نشر این اثر مرهون زحمات بی‌دریغ آنهاست تشکر کرده، سعادت و توفیق روزافزون را از درگاه خداوند متعال برای همه این عزیزان خواستارم.

زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه‌ها
و آثار ادبی، دینی و فلسفی
میگل داونامونو



از آن روی که شناخت کامل اندیشه‌های هر متفکری بدون شناخت و تحلیل زمینه‌های اصلی و جریانات تأثیرگذار بر ساختار تفکر او میسر نمی‌شود، در تحلیل اندیشه‌های اونامونو هم می‌بایست ابتدا بستر شکل‌دهنده و سازنده اندیشه‌های او را به خوبی روشن ساخت و سپس به توضیح و تشریح افکار و آراء او پرداخت.

متولدشدن در باسک و تأثیرات نژاد باسکی بر شکل‌گیری شخصیت اجتماعی و سیاسی اونامونو

میگل د اونامونو در ۲۹ سپتامبر سال ۱۸۶۴ میلادی در باسک^۱ پایتخت فرهنگی و صنعتی بیلباو^۲ اسپانیا متولد شد. او دوران کودکی و بخشی از روزهای نوجوانی خود را در آنجا گذراند و همین امر تأثیری پایدار بر تمام مراحل زندگی او نهاد؛ چرا که از یک سو، تولد اونامونو هم‌زمان با آشوب و بحران سال‌های ۱۸۶۸، ۱۸۶۹ و ۱۸۷۰ اسپانیا بود و در این سال‌ها جنگ داخلی بین سلطنت‌طلبان و جمهوری‌خواهان اسپانیا در گرفته بود و کارلوسی‌ان

1. Basque

2. Bilbao

در سال ۱۸۷۳ بیلباو – زادگاه اوناُمونو – را محاصره کرده بودند. و از سوی دیگر، اوناُمونو که در شش سالگی پدرش را از دست داده بود، در این هنگام نه سال داشت و نخستین حادثه مهم زندگی اش، چنانکه خود بعدها حکایت کرده، انفجار بمب کارلوسیان در خانه همسایه آنها بوده است. ازاین پس و در سراسر عمر، زندگی اوناُمونو با تاب و تنش، آمیخته و آموخته گردید. او علی‌رغم علاقه و نگرانی نسبت به سرنوشت میهن خود اسپانیا، عمیقاً متوجه نژاد باسکی خود – حتی در تمام دوران مخالفتش با غلبه و رواج ناسیونالیسم سیاسی در آن منطقه – بود و از این تعصب که داشتن نژاد باسکی و اسپانیایی در آن واحد غیرممکن است، چرا که نژاد باسک اساس نهاد اسپانیایی است، حمایت می‌کرد و باسکی‌ها را نجبای اسپانیا می‌دانست.^۱ با در نظر داشتن این ویژگی‌های نژادی که مردم اهل باسک مردمانی سخت‌کوش، سرسخت، مستقل و مغروراند و به همین دلیل به مردمان کوهستان یا مردمان جدی شهرت یافته‌اند^۲ و تأثیری که این ویژگی‌ها در شکل‌گیری شخصیت و روحیه اوناُمونو داشته‌اند، می‌توان دو عنصر نژاد و ملیت و شرایط سیاسی را به مثابه دو عنصر کلیدی و مهم در بررسی زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه‌های دینی و فلسفی اوناُمونو، به شمار آورد.

باید گفت تأثیر این دو عنصر حتی در تلفیق و به هم پیوستگی شخصیت سیاسی و اجتماعی اوناُمونو تا به حدی بود که از منظر سیاسی نه تنها از او مبارزی تمام عیار ساخت که نه سلطنت طلب، نه جمهوری خواه و نه مکتب‌گرا بود – و همین امر سبب شد که عده‌ای در سیاست او را عنصری بی‌ثبات بخوانند و درحقیقت گرایش سیاسی اوناُمونو تا پایان عمر گرایشی ویژه خود

1. Ferrater Mora, Jose, *Unamuno: A Philosophy of Tragedy*, Philip Silver, University of California press, Barkeley And Los Angeles, California, 1962, p.1

2. www.worldculture.org

او بود - بلکه فعالیت‌های سیاسی او در نهایت موجب شد که او را در سال ۱۹۱۴ با این استدلال که شغل آموزش با سیاست مغایرت دارد از ریاست دانشگاه سالامانکا برکنار کنند و وجهه اجتماعی او در مقام یک استاد و رئیس دانشگاه، تحت الشعاع فعالیت‌های سیاسی او قرار بگیرد. او نامونو خود در این باره اینگونه اظهار نظر می‌کرد که: «این دو درواقع یک چیزند؛ زیرا سیاست، آموزش ملی و آموزش، سیاست فردی است». پس از برکناری از ریاست دانشگاه، فعالیت سیاسی او افزایش یافت و دو جدال را در پیش گرفت: یکی علیه آلفونسوی سیزدهم، و دیگری علیه دول مرکزی و به دفاع از متفقین در جنگ جهانی اول.^۱

مخالفت او با آلفونسوی سیزدهم^۲ به دنبال کودتای پریمو د ریورا^۳ در سال ۱۹۲۳ شدت یافت و هنگامی که دیکتاتوری پریمو د ریورا علنی و رسمی شد، این مخالفت ابعاد شگرفی پیدا کرد. واکنش ریورا در قبال قیام ایدئولوژیک او نامونو در مجموع چندان خشن نبود. اعتراضات او نامونو به رفتار پریمو د ریورا، پس از آنکه به جزیره فوئرته ون تورا^۴ از جزایر قناری تبعید شد، ادامه داشت و از آنجا که احساس کرده بود این تبعید مهم‌ترین واقعه سیاسی اسپانیا در قرن بیستم، و تا دهه سوم این قرن، است به آسانی از پا نمی‌نشست و در همانجا به سخنرانی علیه آلفونسو و پریمو د ریورا ادامه می‌داد. وقتی که سردبیر یکی از روزنامه‌های پاریس وسایل فرار او را از جزیره فراهم کرد، به فرانسه رفت و این تبعید اختیاری را به آن تبعید اجباری ترجیح داد. او شش سال در آنجا زیست و منتقدان او را سخنگو و وجدان بیدار اضطرابات زمانه نوین شمردند. با سقوط دیکتاتوری پریمو د ریورا در سال ۱۹۳۰،

۱. او نامونو، میگل د، درد جاودانگی، بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ هشتم، تهران، ناهید، ۱۳۸۸، ص ۵.

2. Alfonso xiii

3. Perimo de Rivera

4. Foerte Ven Tura

اوانامونو آخرالامر توانست به اسپانیا بازگردد. اگرچه نظام جمهوری اسپانیا، که آرزوی دیرینه او بود تحقق یافت، اما او دیگر بار هم با قبول ریاست دانشگاه سالامانکا تلویحاً و تصریحاً به مخالفت با نظام جمهوری پرداخت و تا پایان عمر موضع و جهت سیاسی او برای خودش هم روشن نبود.^۱ آنچه که برای او اهمیت داشت سرنوشت میهنش اسپانیا و همه هم‌میهنان اسپانیایی تبارش بود. او همه عمر در راه حفظ به‌هم‌پیوستگی شخصیت سیاسی و اجتماعی‌اش در این راستا و تلفیق آن با اندیشه‌های دینی و فلسفی‌اش کوشید؛ تا آنجا که گاهی جهان وسیع و منحصر به فرد اندیشه مذهبی او گویی نمودی زمینی و جغرافیایی به وسعت سرزمین او اسپانیا می‌یافت، تا آنجا که گویی آنچه را که از آن می‌توان با عنوان الاهیات و فلسفه اوانامونو بحث کرد، بستری انضمامی و دنیوی به نام اسپانیا دارد. و در همین جایگاه است که می‌توان اهمیت نقش بعد سیاسی و اجتماعی آراء و افکار اوانامونو را در تبیین الاهیات، فلسفه و حتی ادبیات خاص او تصریح کرد. این ویژگی‌های منحصر به فرد او، آخرالامر، سبب شد متفکرین و نویسندگان بزرگی به تحسین و ستایش او زبان بکشایند.

جان دوس پاسوس^۲ در کتاب بار دیگر روزیتانته به راه می‌افتد^۳ و والدو فرانک^۴ در کتاب اسپانیای بکر^۵ از او به تحسین و اعجاب یاد کرده‌اند و او را بزرگ‌ترین شخصیت زنده ادبیات و از زمره بیدارکنندگان دانسته‌اند.^۶

۱. همو، صص ۶-۷.

2. John Dos Passos

3. Rosinante to Road Again

4. Waldo Frank

5. Virgin Spain

۶. اوانامونو، میگل د، هابیل و چند داستان دیگر، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ پنجم، تهران، ناهید، ۱۳۸۵، ص ۸.